

بررسی و تحلیل معیارهای تشخیص آیات مهدوی در قرآن

مجتبی کلباسی^۱

حسن ملایی شهرستانی^۲

چکیده

«قرآن»، به عنوان نخستین و بنیادی‌ترین منبع معرفتی در اسلام، آیاتی را در ارتباط با موضوع مهدویت مطرح کرده است. شناسایی این آیات مستلزم به کارگیری معیارها و ضوابطی است که بتوان بر اساس آن‌ها آیات مهدویت را شناسایی کرد. پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی این معیارها صورت گرفته است تا از این طریق گستره آیات مهدوی را مشخص کند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، معیارها را مطرح کرده و مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در این پژوهش، چهار معیار اصلی برای تشخیص آیات مهدوی ارائه شده است که عبارتند از: آیات همراه با روایات تفسیری مهدوی، از جمله روایات بیان شباهت حضرت مهدی با انبیای پیشین؛ جری و تطبیق و تناسب مفهومی آیات با موضوعات مهدوی. تعداد آیات مهدوی بر اساس هر یک از این ملاک‌ها متفاوت است. تمرکز بر یک معیار، بدون در نظر گرفتن سایر معیارها، به احصای ناقص آیات مهدوی منجر می‌شود. بنابراین، برای دستیابی به همه آیات مهدوی لازم است همه ملاک‌ها را مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: آیات مهدوی، روایات تفسیری، جری و تطبیق، تناسب مفهومی آیات.

kalbasirmka@gmail.com

۱. استاد حوزه و استاد یار موسسه آموزش عالی راغب اصفهانی

۲. دانش پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mollaihashrestanaki@gmail.com

مقدمه

«مهدویت» یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام به شمار می‌رود. از این رو در منابع اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است. وقتی به قرآن - که اولین و مهم‌ترین منبع آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود - مراجعه می‌کنیم، آیات فراوانی را می‌یابیم که به این امر ارتباط یافته است. وجود آیات مرتبط با مهدویت در قرآن، امری مسلم و قطعی است؛ لکن در گستره آیات تفاوت نظر وجود دارد. برای بیان دیدگاه قانونمند و مبتنی بر قواعد درباره گستره آیات مهدوی، باید معیار و ملاک مشخصی در دست باشد تا محدوده آیات مرتبط با بحث مهدویت مشخص گردد. بنابراین، برای تشخیص آیات مهدوی معیار و ملاک نیازمند هستیم تا آن‌ها را از آیات دیگر تمییز دهیم.

تجزیه و تحلیل مسائل مهدویت بر اساس آیات شریفه قرآن، ضرورت پژوهش در این زمینه را روشن می‌سازد؛ زیرا پژوهش و تحقیق در مسائل و آموزه‌های اسلامی، قطع نظر از آیات مرتبط با آن‌ها، نتیجه دقیق و صحیحی را در پی نخواهد داشت. بنابراین، باید مجموعه آیات مهدوی را شناخت و آن‌ها را در کنار هم مورد توجه قرار داد. این امر نیازمند معیارهایی است تا بتوان از طریق آن‌ها گستره آیات مهدوی را به دست آورد.

پرسش اصلی این مقاله آن است که آیات مهدوی قرآن کدام است؟ ملاک در مهدوی بودن آیات چیست؟

پیشینه پژوهش

مولفان متعدد و مختلفی به جمع‌آوری آیات مهدوی پرداخته‌اند؛ ولی درباره معیار و ملاک آیات مهدوی بحثی ارائه نکرده‌اند. از جمله آن‌ها می‌توان از کتاب‌های ذیل نام برد: المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، از سید هاشم بحرانی؛ الامام المهدی فی القرآن و السنة، از سعید ابومعاش؛ الآيات الباهرة فی بقية العترة الطاهرة، از سید داود میرصابری؛ معجم أحاديث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از جمعی نویسندگان، قاطع البیان فی الآيات المؤولة بصاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، از فضل الله عابدی خراسانی، القرآن يتحدث عن الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از مهدی حسن علاء‌الدین، سیمای مهدویت در قرآن، از محمد جواد مولوی نیا؛ المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فی القرآن و



السنة، از سید صادق حسینی شیرازی، المهدی الموعود فی القرآن الکریم، از محمدحسین رضوی. البته در برخی از این آثار معیار انتخاب را آیاتی قرار داده‌اند که در ذیل آن‌ها روایاتی وجود دارد (عابدی خراسانی، ۱۳۶۲: ص ۵؛ علاءالدین، ۲۰۰۰؛ مولوی نیا، ۱۳۸۱: ص ۶۵؛ رضوی، ۲۰۰۱: ص ۱۳۰۱۲ و حسینی شیرازی، ۲۰۰۴: ص ۵)؛ اما درباره معیارهای دیگر مطلبی ارائه نشده است.

برخی از آثار منتشر شده جدید، به صورت مستقل درباره مباحث تفسیر و مهدویت و روش‌شناسی تفسیر آیات مهدوی بحث کرده‌اند؛^۱ اما همانند آثار دیگر، در این آثار نیز خلأ بحث از معیارهای آیات مهدوی به چشم می‌خورد. برخی از مقالات مثل «گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری»، از محمدعلی رضایی اصفهانی نیز به گونه‌شناسی آیات مهدوی دارای روایت تفسیری، پرداخته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ص ۵۱-۷۸). مقاله «قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت» نیز در بخش نخست به تبیین قاعده جری و تطبیق و بیان مبانی و شرایط آن اختصاص یافته و بر بخش دوم نیز در صدد تبیین کیفیت تفسیر و تطبیق آیات بر مباحث مهدویت بر اساس قاعده پیش گفته برآمده است (المصری و ماهرزاده، ۱۴۰۰: ص ۴۳-۵۹)؛ اما درباره معیار بودن قاعده جری و تطبیق برای تشخیص آیات مهدوی، مطلبی دیده نمی‌شود.

با اذعان به مفید و لازم بودن این سنخ از تحقیقات، لازم است درگامی اساسی، معیار آیات مهدوی را مشخص و سپس آن‌ها را احصاء کرد. این پژوهش در نظر دارد با توجه به مباحث علوم قرآنی، معیارهایی برای شناخت و تمییز آیات مهدویت ارائه کند تا در جهت آن تعداد آیات مهدوی و گستره آن روشن گردد.

تعریف آیات مهدوی

در تحقیقاتی که درباره آیات مهدوی صورت گرفته، تعریفی از آیات مهدویت ارائه نشده

۱. ر.ک: جمعی از پژوهشگران، مهر مهدوی ۲، ج ۱۲ از مجموعه «پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی».



است.^۱ در ضمن بعضی از آثار مهدوی، عباراتی وجود دارد که می‌توان آن را به عنوان تعریف آیات مهدوی یاد کرد: «آیاتی که در آن‌ها به گونه‌ای به قضیه مهدویت با تمام ابعاد گوناگونش اشاره شده است» (رضوانی، ۱۳۸۶: ص ۴۳). برخی دیگر چنین نوشته‌اند: «آیات مهدویت به ابعاد متفاوتی از بحث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه اشاره دارد» (خاضعی‌نیا، ۱۳۹۷: ص ۳).

البته در برخی از تحقیقات مرتبط با آیات مهدویت نیز به شاخصه اصلی این آیات، یعنی «ارتباط و اشاره این آیات به مباحث مهدویت» توجه شده است (لطفی‌فر، ۱۳۹۹: مقدمه؛ کریمی‌نیا، ۱۳۸۵: ص ۱۱ و رضوی، ۲۰۰۱: ص ۱۲). این ارتباط به گونه‌های مختلفی است که عبارتند از: تنزیل، تأویل، تفسیر، تطبیق و تشبیه (بحرانی، ۱۴۱۳: ص ۱۷؛ ناصح دهخوارگانی، ۱۳۵۰: ص ۸؛ حسینی شیرازی، ۲۰۰۴: ص ۵؛ رضوی، ۲۰۰۱: ص ۱۲).

بر اساس آنچه ذکر شد، می‌توان در تعریف آیات مهدوی این‌گونه گفت:

«آیات مهدوی آیاتی است که نوعی ارتباط و پیوند بین آن‌ها و مسائل مهدویت برقرار است و این آیات با تفسیر، تنزیل، تأویل، تطبیق، تشبیه یا هر گونه دیگری از ارتباط، بر مسائل مهدویت انطباق دارد.»

ملاک آیات مهدوی

با توجه به مباحثی که در تفسیر و علوم قرآن وجود دارد، می‌توان ملاک‌ها و معیارهای متعددی برای مهدوی بودن آیات ذکر کرد و با به کارگیری آن آیات مهدوی را تمییز داد. شاخصه اصلی این معیارها برای تشخیص آیات مهدوی، پیوند و ارتباطی است که بین آیات و موضوعات و مسائل مهدویت وجود دارد.

این پژوهش به چند مورد از معیارهایی که پیوند و ارتباط مذکور را برای ما روشن می‌سازد؛ دست یافته است. از نتایج این پژوهش توسعه دامنه آیات مهدوی در مطالعات آتی است.

۱. برخی از کتاب‌هایی که به آن‌ها مراجعه شده است: المحجة فیما نزل فی القائم الحجة؛ الآيات الباهرة فی بقیة العترة الطاهرة؛ معجم أحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الیه؛ المهدی عجل الله تعالی فرجه الیه فی القرآن و السنة؛ الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الیه فی القرآن و السنة؛ آیات الکریم فی ما نزل فی بقیة الله فی الأرضین؛ تفسیر آیات مهدویت؛ القرآن يتحدث عن الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الیه؛ المهدی الموعود فی القرآن الکریم؛ سیمای مهدویت در قرآن.

در ادامه با تبیین هر یک از ملاک‌ها به بررسی آن‌ها می‌پردازیم تا تاثیر آن‌ها برای تبیین دایره آیات مهدوی روشن گردد.

۱. آیات مرتبط با مهدویت به واسطه روایات

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، مهدویت از آموزه‌های مهم اسلامی به شمار می‌رود. پس باید در قرآن و روایات رد پای آن به صورت برجسته‌ای محسوس باشد. از این‌رو، شکی نیست که برخی آیات قرآن درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و مباحث مرتبط با آن است. اهل بیت علیهم السلام که مفسران حقیقی قرآن به شمار می‌روند، ارتباط برخی از آیات با مباحث مهدویت را تبیین کرده‌اند. بنابراین، روایات تفسیری که ذیل برخی از آیات قرآن نقل شده، مهدوی بودن آن آیات را روشن می‌سازد.

این اولین و ساده‌ترین معیار برای شناخت آیات مهدوی است. بر همین اساس، بسیاری از مجموعه‌های اولیه و پیشتاز، که در صدد جمع آوری آیات مهدوی برآمده‌اند؛ صرفاً با در نظر گرفتن این معیار و با قطع نظر از سایر معیارها، آیات مهدوی را جمع و تالیف کرده‌اند.

برای نمونه، علامه مجلسی در بحارالانوار بابی تحت عنوان «الآیات المؤولة بقیام القائم عجل الله تعالی فرجه الشريف» ایجاد، و از این شیوه استفاده کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ص ۴۴-۶۴). سید هاشم بحرانی نیز در «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة عجل الله تعالی فرجه الشريف» با همین معیار، ۱۲ آیه مهدوی را احصا کرده است.^۱ کتاب «الآیات الباهرة فی بقیة العترة الطاهرة» نیز آیات دارای روایت مهدوی را محور کار خود قرار داده است.

در این روش فقط با روایاتی که ذیل آیات وارد شده و آن‌ها را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و مهدویت تفسیر کرده‌اند، می‌توان آیات مهدوی را تشخیص داد. گستره این ملاک فقط شامل آیاتی است که ذیل آن‌ها روایتی دال بر مهدوی بودن آن وارد شده باشد.

^۱ محقق کتاب در استدرافی که بر کتاب نوشته است، ۱۲ آیه به مجموعه آیات مهدوی کتاب می‌افزاید (ر.ک: بحرانی، سیدهاشم، المحجة فیما نزل فی القائم الحجة عجل الله تعالی فرجه الشريف، ص ۲۶۳-۲۷۵). مترجم نیز ۲ آیه دیگر به مستدرکات افزوده است (ر.ک: سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۵۲۸).



این معیار همان روش شناخته شده تفسیر اثری (روایی) است. در این معیار برای شناخت آیات مهدوی و تفسیر آن صرفاً از سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود. با وجود، این تعداد آیات مهدوی در آثار منتشر شده با معیار مذکور (آیات دارای روایات تفسیری)، مختلف است. برخی از آثار به حداقل بسند کرده‌اند^۱؛ ولی در برخی دیگر، تعداد آیات چندین برابر افزایش یافته و حدود شش یا هفت برابر دیگر آثار است.^۲

تفاوت تعداد آیات در این کتاب‌ها گاه به میزان بررسی نویسنده باز می‌گردد^۳ و گاه نیز فقط آیاتی را که بنا بر روایات تنها درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نازل شده و یا تأویل آن به آن حضرت مربوط است، مورد توجه قرار داده و آیات مرتبط با سایر مباحث مهدوی مثل ظهور را ذکر نکرده‌اند (رضوی، ۲۰۰۱: ص ۱۰). بررسی‌های سندی نیز در این مسئله دخالت دارد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ص ۵۹-۶۰).

برخی از نویسندگان تعداد آیات مهدوی را که ذیل آن‌ها روایات تفسیری مهدوی وجود دارد؛ را ۳۲۴ آیه دانسته و فهرست کاملی از آن ارائه کرده‌اند (همان، ص ۵۷-۵۹). در ادامه برخی از آیات را متذکر شده‌اند که با معیار روایات تفسیری نمی‌توان آن‌ها را آیه مهدوی دانست؛ زیرا برخی از آن‌ها روایت ندارد و یا از غیر معصوم نقل شده است (همان: ص ۵۹-۶۰). نویسنده کتاب پیش گفته می‌نویسد:

البته دلالت و پیوند این آیات با مباحث مهدویت، یکسان نیست. گاهی تفسیر آیه درباره امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف است و گاهی تأویل و بطن، و گاهی آیه بر آن حضرت تطبیق (جری) شده و گاهی به نوعی ارتباط بین مباحث مهدویت و آیه برقرار شده است (همان، ص ۵۷-۵۸).

در این جا به برخی از این آیات مهدویت که ذیل آن‌ها روایات تفسیری وجود دارد، اشاره

^۱. کتاب مهدی در قرآن، اثر محمد عابدین زاده، ۴۰ آیه مهدوی را مورد توجه قرار داده است.

^۲. کتاب معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بیش از ۲۶۰ آیه، و مقاله «گونه شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری» ۳۲۴ آیه را جمع کرده‌اند.

^۳. چنان که در کتاب المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، برخی از آیات از نظر مؤلف مخفی مانده و محقق و مترجم کتاب، برخی از آیات را استدراک کرده‌اند.

می‌شود.

۱. محمد بن فضیل می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳) پرسیدم، فرمود: «يُظْهِرُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ...» (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۱۴).

۲. امام باقر علیه السلام آیه «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (ص: ۸۸) را به هنگام قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تفسیر کردند (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۵، ص ۶۵۰).

۳. هشام بن عمار از پدرش از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت در تفسیر آیه «وَلَيْنَ أَخْرَجَنَا عَنْهُمُ الْعَذَابُ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولَنَّ مَا يَجِيسُهُ» (هود: ۸) فرمود: «مراد از امت معدوده، اصحاب امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف است که سیصد و اندی نفر هستند» (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۲۳).

۴. چنان‌که فرو رفتن آب در زمین در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَنَنُيَاتِكُمْ مِمَّا مَعِينٍ» (ملک: ۳۰)؛ به غیبت امام تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۱۵۷؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۶).

۲. جری و تطبیق آیات قرآن در مباحث مهدویت

یکی دیگر از راه‌های دستیابی به آیات مهدویت، پیدا کردن آیات مرتبط با موضوعات و مباحث مهدوی به روش «جری و تطبیق» است.
مراد از جری و تطبیق به صورت اجمال این است:

جاری شدن و سرایت کردن مفاهیم به دست آمده از آیات، به موارد مشابه. بر این اساس، گرچه منطوق آیه‌ها، در ظاهر ناظر به امت‌های گذشته یا اتفاقات عصر نزول است؛ روح و حقیقت آن در حصار هیچ زمانی نیست، یعنی فرا زمانی بوده و در آیندگان همانند گذشتگان جاری و ساری است (رستم‌نژاد، ۱۳۹۴: ص ۱۳۷).

این روش جلوه‌ای از کارآمدی و جاودانگی و همیشگی و همگانی بودن قرآن است. بنابراین، مفاهیم قرآنی به شأن نزول آن محدود نشده، بلکه در طول زمان بر مواردی که در صفات و خصوصیات با مورد نزول آیه مشابهت داشته باشد، قابل انطباق است. در مورد مشابه، غایب مانند حاضر جاری است و آینده و گذشته مانند حال منطبق می‌شود (همان: ص ۱۳۷ - ۱۳۸).



طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۶۸-۶۹).

در این ملاک، ارتباط داشتن معانی و مفاهیم آیات قرآن با مباحث مهدویت مراد است. با این ملاک، آیه‌هایی هم که روایت تفسیری مهدوی ذیل آن‌ها وارد نشده است اما حقایق و معانی آن آیات در مباحث مهدویت جریان داشته باشد؛ ذیل آیات مهدوی قرار خواهند گرفت.

مباحث و موضوعات مهدویت دایره گسترده‌ای دارد. برای این‌که بتوانیم آیات مهدوی را با این معیار تمییز دهیم، باید نخست موضوعات و مفاهیم مهدوی را احصا و سپس آیات مرتبط با این مفاهیم و موضوعات را استخراج کنیم و در مجموعه آیات مهدوی قرار دهیم.

آیاتی مثل «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ» (صافات: ۱۷۱-۱۷۴)، با این‌که روایتی ذیل آن‌ها وارد نشده است؛ از جمله آیات مهدوی به شمار می‌رود. زیرا با توجه به این‌که بیش‌تر انبیا مورد آزار و اذیت قرار گرفته و تعدادی نیز به شهادت رسیدند حال آن‌که آیه شریفه وعده نصرت داده است. پس این نصرت الهی چه زمانی خواهد بود؟! پیروزی سپاه حق از سنت‌های قطعی الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ (ب: ص ۹۴) و سپاه حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى نیز از بارزترین مصادیق حق است. یک وجه از نصرتی که در آیات مذکور وعده داده شده، در زمان امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى محقق خواهد شد. با این توضیح، آیات پیش گفته، مهدوی خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶: ص ۳۳-۳۴ و مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۱۴-۱۶).

روش جری و تطبیق روش اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در تفسیر آیات قرآن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۴۲). از این رو اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در تفسیر آیات مهدویت نیز از این روش استفاده کرده‌اند.^۱ ما به روش‌های اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام به ویژه این روش بسیار نیازمندیم تا بتوانیم از آیات قرآن مجید در موارد منطبق استفاده کنیم. بنابراین، اگر آیه‌ای روایت خاص تفسیری مهدوی هم

۱. برخی از مفسران بعد از ذکر روایات تفسیری ذیل آیات مهدوی، آن را از باب جری و تطبیق دانسته‌اند (ر.ک: طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۳۳۵، ج ۱۶، ص ۱۵ و جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، ۱۳۹۳: ج ۷، ص ۴۶۶). برای مشاهده کیفیت و چگونگی تفسیر برخی از آیات مهدوی با روش جری و تطبیق در روایات اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام (ر.ک: المصری، احلام، قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت، ص ۵۳-۵۸).

نداشته باشد، با این معیار که برآمده از شیوه اهل بیت علیهم السلام است می‌توان از بسیاری آیات در موضوع مهدویت استفاده کرد، مثل آیه **﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾** (رعد: ۱۷). این آیه شریفه برای بیان غلبه و پایداری حق و فانی بودن باطل، دو مثال ذکر می‌کند. ناخالصی در طبیعت (کف روی آب) و ناخالصی در صنعت (کف روی فلزات گداخته شده) که از بین می‌رود؛ اما آب و فلز گداخته شده خالص باقی می‌ماند. در پایان آیه مبتنی بر دو مثال قبل، از بین رفتن ناخالصی (باطل) و ماندگاری امر نافع (حق) تأکید می‌کند **﴿فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ﴾** (همان).

این آیه بیان یک قاعده کلی در نظام خلقت است. هر باطلی نابود خواهد شد، ولی حق همواره باقی خواهد ماند. بدون تردید حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مصداق بارزی برای این آیه خواهد بود؛ زیرا حکومت جهانی حضرت، حق است و عدالت و جریان حق را برای مردم در پی دارد. در مقابل، ظالمان و ستمگران هستند که امور آن‌ها بر باطل بنا شده است. بر اساس این آیه حکومت عدالت گستر مهدوی و همچنین حکومت باطل و ستم‌پیشه ظالمان مصداق بارز آیه شریفه هستند.

همچنین آیه شریفه **﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾** (انبیاء: ۱۸)، که بیانگر رویارویی حق و باطل و از بین رفتن باطل توسط حق است؛ بر حکومت و قیام امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می‌کند. زیرا رویارویی حق و باطل و چیره شدن حق در برابر باطل از سنت‌های الهی است و آیه به مورد خاصی از حق و باطل مقید نشده است، بلکه در مطلق حق و باطل جریان دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ص ۲۶۳).

بر اساس قاعده جری و تطبیق، اطلاق وعده نصرت مؤمنان از جانب خدای متعال در آیه شریفه **﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾** (روم: ۴۷) امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان را نیز شامل می‌شود.

با توضیحی که درباره آیات گذشت، چگونگی ارتباط آن‌ها با مهدویت روشن می‌شود. این آیات گرچه روایات تفسیری مهدوی ذیل آن‌ها نقل نشده؛ از باب جری و تطبیق بر مباحث



مهدوی تطبیق می‌کند و آیات مذکور از جمله آیات مهدوی به شمار می‌رود.

ارتباط بین دو ملاک

در هر دو ملاکی که ذکر شد، به روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیازمند هستیم. اگرچه جنبه‌های نیازمندی به روایات در آن‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. در ملاک نخست، آیات مهدوی از طریق روایات تفسیری ذیل آن‌ها تشخیص داده می‌شوند و از این طریق به تفسیر یا تطبیق آیات دست می‌یابیم. در ملاک دوم، شیوه تفسیری را از روایات استنباط کنیم و به تفسیر آیات می‌پردازیم.

توضیح این که در فقه اسلامی، احکام فراوانی وجود دارد که مستقیماً از روایات گرفته شده و دلیل آن نصوص وارد شده از شارع است. در کنار این دسته احکامی نیز وجود دارد که از قواعد فقهی و اصول عملیه استخراج شده است. این دو دسته، به صورت یکسان از احکام شمرده می‌شوند و در عمل مورد استناد قرار می‌گیرند.

در شناخت آیات مهدوی نیز گاه از دلالت مستقیم روایات بهره گرفته می‌شود و گاه از قواعد و ضوابط برگرفته از ادله مستخرج است.

بنابراین، با تثبیت قاعده جری و تطبیق و سایر قواعدی که مأخوذ از روایات و ادله دیگر است؛ آیات مهدوی قرآن مجید قابل استخراج است که در ادامه بحث، به مواردی از آن اشاره خواهد شد.

البته نباید تصور شود که صرفاً با فهم شیوه تفسیری جری و تطبیق و قواعد مشابه دیگر می‌توان به تفسیر آیات قرآن و تطبیق موضوعی آن پرداخت بلکه بایستی مجموعه قواعد تفسیری و ضوابط فهم و تفسیر قرآن کریم مورد نظر باشد.

از بررسی روایات تفسیری ذیل آیات مهدوی با روش جری و تطبیق، به دست می‌آید که گاه در مصادیق، توسعه صورت گرفته است و موارد آینده نیز به عنوان مصادیق مطرح شده است؛ مانند روایتی از امام باقر علیه‌السلام که دامنه «ایام الله» را گسترش می‌دهد و در ذیل آیه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم: ۵)؛ فرموده است: «أَيَّامَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ

الْقِيَامَةِ» ایام الله سه روز است؛ روزی که قائم قیام می‌کند، روز رجعت و روز قیامت (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۱۰۸)؛ در این روایت اولاً، آیه‌ای که خطاب به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است و برحسب ظاهر به ایام الله رخ داده در نهضت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مانند نجات بنی اسرائیل، غرق فرعون و سایر موارد مربوط به آن حضرت ناظر است؛ ولی روایت، آن را توسعه زمانی داده و به آینده نیز گسترش داده است.

گاه نیز با استفاده از تشبیه ارتباطی بین آیات قرآن و مهدویت برقرار شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۳. آیات «شبهات» امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ با انبیا عَلَيْهِمُ السَّلَام

ملاک دیگری را که می‌توان در تشخیص آیات مهدوی ذکر کرد، شباهت‌های امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ با برخی انبیای پیشین است. در منابع تفسیری و روایی، روایاتی وجود دارد که بر شباهت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ به انبیای گذشته دلالت دارد. این روایات کلمه‌های «سُنَّة» (همان، ج ۱، ص ۳۲۹ و طبری، ۱۴۱۳: ص ۵۳۲)، «سُنَن» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۴ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۴) و «شَبَّه» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۳) را شامل است.

در این گروه از روایات، بر شباهت‌های امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ با انبیای پیشین تأکید شده است. با توجه به این شباهت‌ها آیات مربوط به آن‌ها را احصا می‌کنیم. با استفاده از این دسته از روایات آیات فراوانی را که بیانگر وجوه شباهت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ به انبیای گذشته هستند؛ می‌توان آیات مهدوی قلمداد کرد.

البته در روایات مذکور اشاره صریحی به عین الفاظ آیات مربوطه نشده؛ اما مضمون آن‌ها که بیانگر آن سنت یا وجه شباهت است، ذکر کرده‌اند؛ یعنی روایات شباهت شاخصه‌هایی را بیان می‌کند که به وسیله آن آیات مربوط و وجه شباهت آن‌ها مشخص می‌شود.

در برخی از روایات، از شباهت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و رُوحِ الشَّرِيفِ به چهار نفر از انبیا، یعنی حضرت یوسف، حضرت موسی، حضرت عیسی و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یاد شده است (همان، ص ۱۶۴)؛ بعضی دیگر از شباهت به حضرت یونس سخن رفته است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷). روایت دیگری نیز شش تن از انبیا را نام می‌برد حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت ایوب، حضرت موسی،



حضرت عیسی و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۳۱). در روایات دیگر علاوه بر این چند نفر از انبیا، نام حضرت آدم (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۲) و حضرت داود (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۷) و جناب خضر و ذوالقرنین (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۸) سخن به میان آمده است.

تعداد شباهت‌هایی که در روایات برای امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و هر یک از انبیا ذکر شده، متفاوت است. برخی از روایات به یک شباهت بسنده کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۴)؛ ولی برخی دیگر از روایات چند شباهت بین امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و هر یک از انبیای مذکور نام برده‌اند (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۸).

بر اساس روایاتی که در این باره وارد شده‌اند، سنت و شباهت امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى به انبیای پیشین از این قرار است: طول عمر از حضرت آدم (همان: ص ۳۲۲)؛ طول عمر، ظهور دولتش و باز بودن دستش در از بین بردن دشمنان از حضرت نوح (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۶)؛ پنهانی ولادت و کناره‌گیری از مردم از حضرت ابراهیم (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۲)؛ زندانی شدن ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۴)؛ غیبت، مشتبه شدن امر بر نزدیکان (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷) و مخفی بودن شخصیت او از دیگران به گونه‌ای که او را می‌بینند، اما نمی‌شناسند (همان، ص ۱۴۴-۱۴۵ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۷)؛ زیبایی و سخاوت (مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۲۶۷) و اصلاح امر او در یک شب (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۳)؛ شباهت به حضرت یوسف، استمرار خوف، غیبت، مخفی بودن ولادت، رنج و سختی شیعیان در زمان غیبت (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷)؛ شباهت به حضرت موسی، حکم کردن با الهام، از حضرت داود (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۷)؛ فرج و گشایش بعد از گرفتاری از حضرت ایوب (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۲ و طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۳۱)؛ ظهور در چهره شخصی جوان بعد از غیبت و عمر طولانی، به عنوان شباهتی به حضرت یونس (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷)؛ اختلاف دیدگاه‌های مردم درباره ولادت، حیات و یا ممات (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۹۴؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج

۱. مراد از زندانی شدن این نیست که امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى در یک مکانی محبوس شوند. اما چون کسی به ایشان دسترسی ندارد و شخص او را نمی‌شناسد، همانند این است که امام در زندان است (ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، ص ۶۰).

۱، ص ۳۲۲)؛ خوف و ترس از یهود (مسعودی، ۱۳۸۴: ص ۲۶۷) و سیاحت و گردشگری (طبری، ۱۴۱۳: ص ۵۳۲)؛ از حضرت عیسی و قیام با شمشیر (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۷)؛ کشتن دشمنان و ستمگران، یاری شدن با ایجاد ترس در دل دشمن (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۷)؛ از سنت‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، که در سیره امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى نیز جریان خواهد داشت.

برای روشن شدن مطلب به چند مورد از آیات مهدوی با ملاک شباهت به انبیا، اشاره می‌شود:

۱. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ شَبَهُ مِنْ يُوسُفَ ابْنِ أُمَّةٍ سَوْدَاءٍ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۶۳). مراد از «لَيْلَةٍ» همان شبی است که که ملک خواب دید و باعث شد حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را از زندان بیرون بیاورند. بنابراین، باید به سراغ آیاتی برویم که این شباهت و داستان را ذکر کرده است. آیات ۴۳ تا ۴۸ سوره یوسف که داستان خواب ملک و تعبیر آن توسط حضرت یوسف را بیان می‌کند، آیات مهدوی خواهد بود.

۲. با توجه به روایاتی که طول عمر را شباهت بین امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۹۳۶ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۴۲۱)؛ آیه شریفه «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت: ۱۴)، ذیل آیات مهدوی قرار خواهد گرفت.

۳. بر اساس ملاک، آیه «فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» (قصص: ۱۸) و «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (همان: ۲۱) که به خوف حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام، و آیه «وَإِذْ وَاوَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَخَذْنَا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (بقره: ۵۱) و آیه «وَ وَاوَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ أَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (نمل: ۷) و آیات مشابه (طه: ۱۰ و قصص ۲۹)، که حضرت موسی در آن شب رفت تا شعله آتشی برای خانواده خود بیاورد و از جانب خداوند به مقام نبوت نائل شد (طه: ۱۳)؛ به اصلاح امر نبوت حضرت موسی در یک شب اشاره دارد؛ همه این آیات به عنوان آیه مهدوی قلمداد می‌شود.

۴. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:



فِي الْقَائِمِ مِثْلًا سُنَّتُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سُنَّتُهُ مِنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ سُنَّتُهُ مِنْ نُوحٍ وَ سُنَّتُهُ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ سُنَّتُهُ مِنْ مُوسَى وَ سُنَّتُهُ مِنْ عِيسَى وَ سُنَّتُهُ مِنْ أَيُّوبَ وَ سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ ﷺ فَأَمَّا مِنْ آدَمَ وَ نُوحٍ فَظُلُّ الْعُمْرِ وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلَادَةِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ وَ أَمَّا مِنْ مُوسَى فَالْمُتَوَفُّ وَ الْعَيْبَةُ وَ أَمَّا مِنْ عِيسَى فَاخْتِلَافُ النَّاسِ فِيهِ وَ أَمَّا مِنْ أَيُّوبَ فَالْفَرَجُ بَعْدَ الْبَلْوَى وَ أَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ ص فَالْمُخْرُجُ بِالسَّيْفِ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۱-۳۲۲).

شباهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انبیای پیشین در این روایت با عبارت «سُنَّتُهُ» بیان شده است. با ملاکی که بحث شد، هر کدام از آیاتی که مضمون آن‌ها در این روایات شباهت یا سنت ذکر شده باشد؛ آیه مهدوی به شمار خواهد رفت.

گستره آیات شباهت و سنت

این دسته از روایات - که بیانگر سنت و شباهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انبیای سابق است - قاعده‌ای را به ما می‌دهد که اتصال بحث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انبیای پیشین را می‌رساند. بنابراین، آنچه از این روایات به دست می‌آید این است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجموعه‌ای از خصوصیات و اتفاقاتی که در مورد آن امام رخ می‌دهد، به بعضی از انبیای گذشته شباهت دارد.

ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف با استناد و استشهاد به آیات قرآن، به تبیین معارف مهدوی پرداخته‌اند. بنابراین، روش، با توجه به موارد متعدد و متکثری که از آن در سیره ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد؛ یک سبک و رویه در تبیین و ارائه معارف مهدوی در شیوه اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل اصطیاد است.

اکنون با توجه به این‌که از یک سو شباهت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به انبیای سابق به مواردی که گذشت، منحصر نیست؛^۱ و از سوی دیگر، ظاهر روایاتی که بیانگر شباهت امت اسلام با امت‌های پیشین است، جریان همه اتفاقات امت‌های سابقه در امت اسلام را شامل می‌شود؛^۲ آیا

۱. برای نمونه، شباهت‌های منصوصه و غیر منصوصه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در در کتاب «دو گوهر آسمانی؛ بررسی تشابهات حضرت موسی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بنگرید.

۲. دسته‌ای از روایات امت اسلام را به امت‌های گذشته تشبیه کرده است، مثل این روایت نبوی: «كُلَّمَا كَانَ فِي الْأُمَّمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ» (صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۷۶). دسته

باید بر همین شباهت‌های منصوص در روایات بسنده کرد، یا می‌توان شباهت را به موارد دیگری که در روایات ذکر نشده است نیز سرایت داد، و با ملاک شباهت‌ها، آیات مرتبط با شباهت‌های غیر منصوص را نیز ذیل آیات مهدوی قرار داد؟ باید گستره این ملاک روشن گردد، تا در سرایت با عدم سرایت به موارد غیر منصوص معیار لازم به دست آید.

براساس آیات و روایات اصل وجود شباهت‌های غیر منصوص - که در روایات به آن‌ها اشاره نشده - قطعی است، اما باید مفاد روایات جریان سنت‌های امت‌های پیشین در امت اسلام را مورد تأمل و دقت قرار داد تا مراد روشن شود.

نخست این‌که روایات عام که بیانگر شباهت امت اسلام به همه امت‌های گذشته است، با روایات خاص که شباهت امت اسلامی و یهود و نصاری را بیان می‌کند، مؤکد می‌شود. بنابراین، باید بر شباهت بین امت اسلام و امت یهود و نصاری تکیه بیش‌تری صورت گیرد.

از سویی دیگر با قطع و یقین می‌دانیم بسیاری از حوادث امت‌های گذشته در امت اسلامی رخ نداده است؛ مثل گوساله پرستی و سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل در بیابان، ولادت بدون پدر و به آسمان رفتن حضرت عیسی و مسخ افراد به صورت میمون و خوک (خویی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۱). همچنین پذیرش انطباق کلی حوادث بین اسلام و قوم یهود و مسیحیت، مستلزم اموری است که نمی‌توان بر اساس مبانی به آن‌ها پایبند بود. این موارد، دلیل محکمی بر عدم اراده ظاهر از این روایات است و باید مراد از مشابهت را در برخی از موارد جزئی دانست (خویی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۱).

در نتیجه از یک سو می‌دانیم که سرایت به همه شباهت‌های غیر منصوص قطعاً روا نیست. زیرا برخی از شباهت‌ها در امت اسلامی جریان نیافته و نخواهد یافت همانند مسخ؛ از سوی دیگر، به سبب وجود شباهت‌های غیر منصوص،^۱ انحصار به شباهت‌های منصوص نیز صحیح

دیگر از روایات مثل «لَتَرْكَبُنَّ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَذْوُ التَّلْعِ بِالتَّلْعِ وَ الْفُدَّةَ بِالْفُدَّةِ وَ لَا تُخَطُّونَ طَرِيقَتَهُمْ شَبْرٌ بِشَبْرٍ وَ ذِرَاعٌ بِذِرَاعٍ وَ بَاعٍ بِبَاعٍ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ دَخَلَ جُحْرٌ صَبٍ لَدَخَلْتُمُوهُ قَالُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ تَغْنَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: فَمَنْ أَعْنَىٰ» (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۳)؛ شباهت‌ها را به امت یهود و نصاری اختصاص داده است.

۱. همانند شباهت‌های غیر منصوصه بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و حضرت موسی که در کتاب «دو گوهر آسمانی» بررسی تشابهات حضرت موسی و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه به آن‌ها اشاره شده است.



نیست.

بنابراین، گرچه نمی‌توان محدوده شباهت‌های غیر منصوصه را پیش از آن‌که در امت اسلامی نیز جریان یابد، به صورت قطع و یقین مشخص کرد؛ با وجود نص کلی بر جریان یافتن این سنت‌ها در امت اسلامی، سرایت به موارد آن در امت بلاشکال خواهد بود. لذا می‌توان از طریق سنت‌های الهی و قواعد دیگر، به مصداق آن شباهت‌های غیر منصوصه دسترسی پیدا کرد.

بنابراین، می‌توان شباهت امت‌های پیشین و رخ دادن حوادث مربوط به آن‌ها در امت اسلامی و به‌ویژه در حوزه مسائل مهدویت را به صورت جزئی پذیرفت و آیات مرتبط با آن حوادث را مهدوی دانست؛ زیرا معیار اساسی در ملاک سوم (ملاک شباهت و سنت)، مشابهت بین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انبیای سابق بود، که در شباهت‌های غیر منصوصه نیز وجود دارد. تنها تفاوت بین شباهت‌های منصوصه و غیر منصوصه در این است که در روایات به شباهت‌های دسته نخست به صورت موردی تصریح شده است؛ اما ذکر شباهت‌های غیر منصوصه به صورت کلی است و از تک تک مصادیق آن‌ها، ذکر به میان نیامده است. به عبارت دیگر این ملاک، بر محور شباهت‌ها دور می‌زند؛ خواه شباهت‌ها به تفصیل بیان شده باشد و خواه به صورت کلی و بدون ذکر مصداق.

گرچه می‌توان آیات مرتبط با برخی از این شباهت‌ها که با موضوعات مهدویت متناسب است، را بر اساس ملاک جری و تطبیق (ملاک دوم) نیز ذیل آیات مهدوی قرار داد؛ بحث در این مقام از ملاک شباهت‌هاست، نه ملاک جری و تطبیق. توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که جری و تطبیق نیز در کلیت ناظر بودن قرآن به حوادث دوران و جریان داشتن در هر زمان و ضرورت درس آموزی از آن ریشه دارد.

۴. ارتباط و تناسب آیات قرآن با یکدیگر

برخی از مفسران، در مباحث علوم قرآنی بحثی تحت عنوان «تناسب آیات» مطرح می‌کنند که با توجه به آن، بین آیات قرآن تناسب و ارتباط وجود دارد. با توجه به این دیدگاه، چینش آیات قرآن به گونه‌ای است که هدف مشخصی را به مخاطب خود منتقل کند.

«تناسب» در لغت به معنای همانندی و نزدیک هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآن، به



معنای ارتباط و همبستگی بین آیات به کار می‌رود که گاهی این ارتباط به صورت عام و خاص است و گاهی عقلی، حسی یا خیالی و یا نوعی از ارتباط و هماهنگی ذهنی، مثل سبب و مسبب، علت و معلول، ضدین و حتی نقیضین که بین آن‌ها نوعی ارتباط وجود دارد (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۲۱۸).

برخی از مفسران، تناسب بین آیات قرآن را امری مسلّم انگاشته و انکار آن را توهّم می‌خوانند (همان: ص ۲۱۷) و تناسب آیات را از وجوه اعجاز قرآن دانسته‌اند (همان، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۴۳). برای اثبات وجود تناسب بین آیات قرآن، به دلیل عقلی و شواهد قرآنی فراوانی تمسک شده است.^۱ مهم‌ترین دلیل عقلی برای این مسئله حکمت خدای متعال است؛ زیرا کنار هم قرار دادن آیات متعدد بدون تناسب و هماهنگی قبیح است و از خدای حکیم صادر نمی‌شود. وحدت موضوعی سوره‌های قرآن نیز دلیل دیگری بر تناسب آیات است. گرچه آیات قرآن در طول ۲۳ سال و در حوادث، وقایع و مکان‌های مختلف نازل شده است؛ کنار هم قرار دادن آیات در یک سوره، با هدف خاصی انجام گرفته است و این وحدت هدف سوره‌ها بر تناسب آیات دلالت دارد.

با این دیدگاه، ارتباط و تناسب بین آیات قرآن برقرار خواهد بود. بنابراین، نباید آیات مهدوی را به صورت مجزا و تک آیه تلقی کرد، بلکه باید آیاتی را که بین آن‌ها تناسب مفهومی و موضوعی برقرار است، به صورت یک مجموعه در نظر گرفت و همه آن‌ها را ذیل موضوع واحد قرار داد. برای تشخیص آیات مهدوی از طریق ملاک تناسب آیات، باید نخست آیه مورد نظر را در نظر گرفت و آیات قبل و بعد آن که از جهت موضوع و مفهوم با آن آیه در ارتباط هستند را کنار هم قرار داد.

ممکن است در این ملاک، تمام آیات یک سوره و یا بخشی از آیات یک سوره در کنار هم موضوع واحدی را تشکیل دهند.

نکته مهمی که این ملاک را از سایر ملاک‌ها متمایز می‌کند، این است که با در نظر گرفتن دیدگاه تناسب و ارتباط بین آیات قرآن، شاید بتوان فراتر از آیات مهدوی از قطعه‌ها (مجموعه

۱. برای اطلاع از ادله و شواهد، و تفصیل ادله مذکور در متن، به مقاله «تناسب آیات» علی قانع اردکان مراجعه کنید.



آیات) و سوره‌های مهدوی سخن به میان آورد.

البته این تناسب، به دیدگاه مفسر و شاخصه و ملاک تناسبی وابسته است که مفسر در نظر می‌گیرد و با آن به جمع بندی آیات مربوط به موضوع خاصی می‌پردازد. مراد از اعتباری بودن، وابستگی آن به ملاک و شاخصه تناسب و ارتباطی است که مفسر در بین آیات قرآن در نظر می‌گیرد که با تفاوت ملاک تناسب، نتیجه نیز متفاوت خواهد شد.

نمونه تفاوت ملاک ارتباط بین آیات نزد مفسر:

الف) آیه «فَأُصْحِ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ» (قصص: ۱۸) و آیه «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (همان: ۲۱) که با ملاک شباهت‌ها و سنت‌ها از جمله آیات مهدوی به شمار می‌رود؛ خوف حضرت موسی بعد قتل قبطی را گزارش کرده است. این دو آیه با آیات قبل و بعد، تناسب و ارتباط معنایی دارد. حال با توجه به نکته‌ای که در اعتباری بودن تناسب و ارتباط گفته شد، باید با توجه به شاخصه مورد نظر در تناسب و ارتباط، آیات مرتبط را دسته بندی کرد. بنابراین، اگر شاخصه مورد نظر ما سرگذشت زندگی حضرت موسی باشد، همه یا اکثر آیات این سوره که بر تولد، رشد، حفظ و حراست حضرت موسی در دربار فرعون، فرار او از مصر به سمت مدین، ازدواج، نبوت، تبلیغ و رسالت ایشان دلالت دارند؛ در یک مجموعه قرار خواهند گرفت. اما اگر آیات مرتبط با دو آیه مذکور (۱۸ و ۲۱ قصص) را با توجه به داستان درگیری حضرت موسی عليه السلام با قبطی و قتل او و در نهایت فرار از مصر در نظر بگیریم، با آیات قبل یعنی آیه ۱۴ تا ۲۱ در یک دسته قرار خواهد گرفت.

ب) آیه «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹)، بر اساس روایات تفسیری ذیل آن (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۱۴۳ و فرات کوفی، ۱۴۱۰: ص ۱۱۳)؛ آیه مهدوی است؛ اما وقتی آیات قبل را در نظر می‌گیریم، این آیه نیز با آن‌ها تناسب و ارتباط دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۴۰۷). آیات ۶۶ تا ۶۹، در صدد بیان فرجام اطاعت از خدا و پیامبر است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۰: ص ۲۷۸-۲۷۹).

آیت الله جوادی آملی، در تبیین تناسب این آیه و آیات پیشین می‌نویسد:

از آیه ۵۹ تا آیه مورد بحث، مجموعه و فصلی واحد است. قرآن کریم در آیه ۵۹ به اطاعت از خدا و پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» آن‌گاه در آیات بعدی، این فرمان را پیگیری و بر آن تأکید می‌کند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» و سپس در آیه مورد بحث - همانند دو آیه پیشین - نتیجه اطاعت از خدا و رسول را بیان می‌فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» و بدین‌سان پایان کلام را به آغاز آن یعنی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ...» پیوند می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ (الف): ص ۴۳۳).

ج) عذاب ناگهانی در آیه شریفه «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (انعام: ۴۴)؛ به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف تفسیر شده است (قمی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۲۰۰ و صفار، ۱۴۰۴: ص ۷۶)؛ اما این آیه، بریده و منقطع از آیات قبل و بعد خود نیست بلکه بین این آیه و آیات قبل و بعد آن ارتباط و تناسب معنایی برقرار است. برخی از مفسران آیات ۳۷ تا ۵۵ سوره انعام را با معیار احتجاج درباره توحید و معجزات نبوت، یک دسته آیات مرتبط با هم دانسته و آن‌ها را کنار هم جمع کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۷، ص ۶۸-۷۰)؛ اما برخی دیگر، رمز سقوط ملت‌ها یا فلسفه تاریخ را به عنوان شاخصه‌ای برای دسته‌بندی آیات در نظر داشته و آیات ۴۲-۴۵ این سوره را باهم مرتبط می‌دانند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۲: ص ۳۱۴-۳۱۵).

د) فراگیری، جهان شمولی دین حق در آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳)؛ با ظهور امام غایب تحقق می‌یابد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۲، ص ۴۱۴ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۶۷۰). با ملاک روایات تفسیری فقط همین آیه، مهدوی خواهد بود. اما با توجه به ملاک تناسب آیات، این آیه با آیات پیشین ارتباط معنایی دارد. در آیه پیشین، از نور الاهی و اتمام آن یاد شد و در این آیه از تبیین نور الاهی و چگونگی اتمام آن بیان شده است که از باب شرح و تفصیل بعد از اجمال است. و همچنین ارتباط با آیات پیشین که عدم تدین به دین حق را یکی از علل مقاتله با اهل کتاب معرفی کرده است «وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» (توبه: ۲۹) و در این آیه دین حق را همان دین می‌داند که همراه پیامبرش فرستاد و سرانجام بر همه ادیان غلبه خواهد یافت (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۵۳۶-۵۳۷).

بنابراین، با ملاک ارتباط و تناسب بین آیات، گستره آیات مهدوی از آیاتی که به آن‌ها اشاره شد،



فراتر رفته و بر دامنه آیات مهدوی افزوده خواهد شد.

از این رو، این ملاک بر مبانی تفسیری مبتنی است که در مرحله نخست باید با ملاک‌های سه‌گانه پیشین، آیات مهدوی را مشخص کرده و در مرحله بعد آیات قبل و بعد متناسب با آن آیه را که موضوع واحدی دارند، در کنار یکدیگر در نظر گرفت.

البته بحث کامل درباره این موضوع مجال گسترده‌ای می‌طلبد و جای نقد و نظر فراوان دارد. آنچه مسلم است و نمی‌توان از آن گذر کرد، این است که براساس مبانی اصولی و فقهی، زمانی که می‌توان با کاوش و تحلیل از چند روایت درباره استصحاب و موارد مشابه صدها فرع فقهی استخراج کرد و در قرون متمادی صدها کتاب و اثر در این باره نگاشته شده و همچنان در جریان است؛ بایستی با استخراج ملاک و قاعده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام به تصویری قانونمند و نسبتاً جامع در زمینه مورد بحث رسید.^۱

با توجه به تعریفی که برای آیات مهدوی ذکر شد، ارتباط و علاقه بین آیات و مسائل مهدویت، شاخصه اصلی آیات مهدوی است. همه معیارهای ذکر شده، نوعی ارتباط بین آیات و مسائل مهدویت ایجاد می‌کند. البته این ارتباط در برخی از معیارها، مثل جری و تطبیق، قوی‌تر و روشن‌تر است؛ ولی در برخی دیگر از معیارها مثل تناسب آیات خفی است و به تأمل و بحث بیش‌تر نیاز دارد.

نتیجه‌گیری

این مقاله در صدد ارائه چارچوبی روشمند برای شناسایی آیات مهدوی است و روشن ساخته که هیچ یک از معیارهای چهارگانه به تنهایی قادر به ارائه تصویر جامعی از موضوع مهدویت در قرآن قادر نیست، بلکه به کارگیری همزمان همه معیارها در کنار هم، فرایند شناسایی آیات مهدوی و جایگاه آن را در قرآن روشن می‌سازد. در این صورت می‌توان آیات فراوانی را زیر مجموعه آیات مهدوی، مورد بحث قرارداد.

شمارش آیات مهدوی بر اساس هر یک از معیارها، مختلف خواهد بود. در برخی از معیارها،

۱. ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، ۱۳۸۶: ص ۱۷۰؛ همان، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۸۹:

ص ۱۴۹؛ همان، رحیق مختوم، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۹۳.

آیات مهدوی به حداقل می‌رسد؛ ولی برخی دیگر از معیارها آیات فراوانی را در بر می‌گیرد. نکته دیگر این‌که برخی از آیات، فقط یک ملاک از ملاک‌های چهارگانه را دارا است؛ ولی در برخی دیگر از آیات، می‌توان چند ملاک را منطبق کرد. بنابراین، برخی از آیات فقط با یک ملاک، مهدوی خواهد بود؛ اما برخی دیگر از آیات با چند معیار مهدوی است. به عبارت دیگر، گاهی تشخیص مهدوی بودن یک آیه، فقط با یک معیار انجام می‌گیرد؛ ولی برخی از آیات نیز ممکن است با چند معیار مختلف مهدوی باشند.

ایجاد ارتباط و پیوند بین آیات و مسائل مهدوی، شاخصه همه معیارهایی است که به آن‌ها اشاره شد. با در نظر گرفتن این شاخصه، شاید بتوان معیارهای دیگری برای تشخیص آیات مهدوی به دست آورد. تشخیص و احصای همه آیات مهدوی با ملاک‌های مذکور، تحقیقی مستقل و جامع نیازمند است تا تعداد دقیق آیات بر اساس هر یک از ملاک‌ها و همچنین تعداد کل آیات مهدوی به دست آید.

به منظور تکمیل پژوهش حاضر، موضوعات پژوهشی زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. احصای جامع آیات مهدوی بر اساس هر یک از معیارهای چهارگانه یاد شده که می‌تواند در قالب پایان نامه سطح ۳ یا کتاب تدوین شود.

۲. بررسی و تبیین چگونگی پیوند و ارتباط آیات قرآن با مسائل مهدوی در ذیل هر معیار، به منظور تشخیص گونه ارتباط، اعم از تفسیر، تنزیل، تأویل، تطبیق، تشبیه یا سایر پیوندها. این موضوع نیز در قالب مقاله یا نشست علمی قابل اجراست.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق). *الامامة و التبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۲. ابومعاش، سعید (۱۳۴۰ق). *الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف في القرآن و السنة*، مشهد، مجمع البحوث الاسلامية.

۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۳ق). *المحجة فينا نزل في القائم الحجة عجل الله تعالی فرجه الشریف*، مصحح: محمد منير الميلاي، بيروت، مؤسسة النعمان للطباعة و النشر.

۴. بی آزار شیرازی، عبدالکریم و حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۰). *تفسیر کاشف*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم و حجتی، سید محمد باقر (۱۳۷۲). *تفسیر کاشف*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *تسنیم*، تنظیم: حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.

۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). *تسنیم*، محقق: محمد فراهانی و حسین اشرفی، قم، اسراء.

۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹الف). *تفسیر موضوعی قرآن* (سیره پیامبران در قرآن)، تنظیم: علی اسلامی، قم، اسراء.

۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *رحیق مختوم*، محقق: پارسانیا، حمید، قم، اسراء.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *شریعت در آئینه معرفت*، محقق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ب). *منزلت عقل در هندسه معرفت دینی*، محقق: احمد واعظی، قم، اسراء.

۱۲. حائری قزوینی، سید مهدی (۱۳۸۴). *سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن*، تهران، آفاق.

۱۳. حسینی شیرازی، سید صادق (۲۰۰۴م). *المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف في القرآن و السنة*، الكويت،



لجنة سيد الشهداء الخيرية.

۱۴. خاضعی نیا، الهام (۱۳۹۷). *بررسی تطبیقی آیات مهدویت از دیدگاه علامه طباطبائی در المیزان و آلوسی در روح المعانی*، تهران، انتشارات بی کران دانش.
۱۵. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الاثر*، مصحح: عبداللطیف حسینی کوهکمری، قم، بیدار.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۶). *البيان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
۱۷. راوندی، قطب الدین (۱۴۰۹ق). *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۸. رستم نژاد، مهدی (۱۳۹۴). *پژوهش‌های تطبیقی در روایات تفسیری فریقین*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی (زمستان ۱۳۸۸). *گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری*، مجله انتظار موعود، شماره ۳۱.
۲۰. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۶). *دفاع از مهدویت*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۱. رضوی، محمدحسین (۲۰۰۱م). *المهدی الموعود فی القرآن الکریم*، بیروت، دارالهادی.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*، محقق: فواز احمد زمزلی، بیروت، دارالکتاب العربی.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق). *معتزک الاقران فی اعجاز القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۶). *نوید امن و امان*، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
۲۵. صدوق، محمدبن علی (۱۳۶۲). *الخصال*، مصحح: علی اکبرغفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمام النعمة*، مصحح: علی اکبرغفاری، تهران، اسلامیه.
۲۷. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*، مصحح: محمد بن عباسعلی



- کوجه باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۸). *قرآن در اسلام*، مصحح: سیدهادی خسروشاهی، قم، بوستان کتاب.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. طبری، محمدابن جریر (۱۴۱۳ق). *دلائل الامامة*، قم، بعثت.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۳۲. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۱ق). *کتاب الغيبة*، مصحح: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الاسلامیة.
۳۳. عابدی خراسانی، فضل الله (۱۳۶۲). *قاطع البیان فی الآيات المؤلدة بصاحب الزمان عليه السلام ورجله الشريف*، مشهد، دارالمرتضی.
۳۴. عابدين زاده، محمد (۱۳۸۰). *مهدي عليه السلام در قرآن*، قم، لاهیجی.
۳۵. علاءالدين، مهدي حسن (۲۰۰۰م). *القرآن يتحدث عن الامام المهدي عليه السلام ورجله الشريف*، بيروت، الدار الاسلامیة.
۳۶. قانعی اردکان، علی (بهمن ۱۳۸۶). *تناسب آیات*، مجله معرفت، شماره ۱۲۲.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*، تصحیح: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب.
۳۸. کریمی نیا، محمدعلی (۱۳۸۵). *آیه های ظهور*، قم، کوثر ادب.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *الکافی*، قم، دارالحديث.
۴۰. کورانی، علی، و همکاران (۱۴۲۸ق). *معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام ورجله الشريف*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۴۱. کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، محقق: کاظم، محمد، تهران، مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۴۲. لطفی فر، طاهره (۱۳۹۹). *آیات مذکور فی کتاب مستور (۲۰۰ آیه مهدوی)*؛ تهران، تفکر

آینده ساز.

۴۳. مؤسسه آینده روشن (۱۳۸۶). *مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکترین مهدویت*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۵. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴). *اثبات الوصیة*، انصاریان، قم.
۴۶. المصری، احلام و ماهروزاده، طاهره (پاییز و زمستان ۱۴۰۰). *قاعده جری و تطبیق در تفسیر آیات مهدویت*، دوفصلنامه موعود پژوهی، شماره ۶.
۴۷. مولوی نیا، محمدجواد (۱۳۸۱). *سیمای مهدویت در قرآن*، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ .
۴۸. میرصابری، سید داود (بی تا). *الآیات الباهرة فی بقية العترة الطاهرة*، تهران، مؤسسه البعثة.
۴۹. ناصح دهخوارگانی، علی قلی (۱۳۵۰ق). *آیات الظهور فی انتظار الفرج و السرور*، بی جا، علمیه (چاپ سنگی).
۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). *الغیبة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.

